

بِسْمِ الْقَلَمِ كَتَبْتَهُ هِيَ الْاِثْنَانِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَحَمْسَةَ اٰیٰتٍ فِیْهِ مَلَكٌ

به اسم الله رحمان رحیم

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ^١ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ^٢

ن و قلم و آنچه می‌کند سطر(شاهد است)* نیستی تو بنعمت رب مجنون*

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ^٣ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ^٤

و یقیناً برای تو است اجر غیر ممنون^١ * و یقیناً توئی بسا بر خُلق^٢ عظیم*

(١) اجر غیر ممنون: اجر بدون منت، اجر بی پایان. (٢) خُلق: راه، طریقه، روش، سلوک، رفتار.

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ^٥ يَا أَيُّكُمْ الْمَفْتُونُ^٦ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ

پس زود می بینی و می بینند * که کدام شماست مفتون^١ * یقیناً رب تو، اوست با علم

بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ^٧ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ^٧ فَلَا تُطِعْ

برآنکه گمراه شده از سبیل او، و اوست با علم بر هدایت شدگان * نکن اطاعت

الْمُكَذِّبِينَ^٨ وَذُوالْوُدْهِينِ^٩ فَيُدْهِنُونَ^٩ وَلَا تُطِعْ كُلَّ

کاذبان را * خواهند تا کنی ملایمت تا کنند ملایمت * و نکن اطاعت هر

(١) مفتون: دیوانه.

حَلَّافٍ مُّهَيِّنٍ ۱۰ هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بِنَمِيمٍ ۱۱ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ

حلاف^۱ اہانتکار * تہمتگر کہ میرود با چغلی * مناع از خیر سرکش

أَثِيمٍ ۱۲ عْتَلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ۱۳ أَلْأَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ۱۴ ط

گناہ کار * متجاوز بعد آن پست * کہ ہست دارای مال و پسران. *

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ يُنَادُواكُم بِأَسْمَائِكُمْ ۱۵ سَنَسِيبُهُ عَلَىٰ

چو شود تلاوت بروی ایات ما میگوید "سطور مردم اولین" * میکنیم داغ اورا بر

(۱) حلاف: قسم خور. (۲) عتل: بد اخلاق، بد کردار.

الْخُرْطُومِ ۱۶ إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا

خرطومش * یقیناً ما آزمودیم آنها را چنانکه آزمودیم صاحبان باغ را که قسم خوردند

لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ۱۷ وَلَا يَسْتَشْنُونَ ۱۸ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ

که می چینیم آنرا صبح گاهان * و نکردند استشنا * کرد طواف بر آن طائفه

مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ۱۹ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ۲۰ فَتَنَادُوا

از ربت و بودند بخواب * بود صبحگاهان بمثل درو شده * کردند ندا

(۱) ونگفتند انشاء الله از غرور و تکبر.

مُصْبِحِينَ^{٢١} أَنْ اءْءُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ^{٢٢}

صبح گاهان * که صبح بروید سوى کشت خود اگر هستيد دروگران *

فَانْطَلِقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ^{٢٣} أَنْ لَّا يَدُ خُلَّتْهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ

افتيدند براه و آنها ميگفتند بخفيه * که نشوند داخل آن امروز بر شما

مَسْكِينٍ^{٢٤} وَءْءُوا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ^{٢٥} فَلَبَّارًا وَّهُمَا قَالُوا إِنَّا

مسکيني * و رفتند صبح با جسارت مقتدران * چون دیدند آنرا گفتند مائيم

لضَالُونَ^{٢٦} بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ^{٢٧} قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ

بس گمراهان * بلکه مائیم محرومان * گفتم بهترین آنها آیا نگفتم

لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ^{٢٨} قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ^{٢٩}

بشما چرا نمیکنید تسبیح * گفتند سبحان^۲ برب ما ما بودیم مردم ظالم *

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ^{٣٠} قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا

شدند مقابل بعض آنها بر بعضی ملامت گویان * گفتند وای بر ما

(۱) اوسط یعنی بهترین. مثلیکه آب در وسط دریا و خون در وسط او عیه جریان سریعترین دارد.

(۲) سبحان گفتن اعتراف به عظمت خالق است. ذاتیکه بلندتر از ادراک و تصور است.

كُنَّا طَغِينًا ٣١ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا

بودیم طغیان گران * شاید رب ما که دهد بدل بما بهتر از آن، مائیم بسوی رب خود

رَاغِبُونَ ٣٢ كَذٰلِكَ الْعَذَابُ ۗ وَالْعَذَابُ الْاٰخِرَةُ الْاَكْبَرُ لَوْ كَانُوا

راغبان^۱ * چنین است عذاب. و عذاب آخرت است بیشتر. ایکاش آنها را

يَعْلَمُونَ ٣٣ اِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنٰتٍ ۙ النَّعِيْمِ ٣٤

بود علم * یقیناً برای متقیان نزد رب آنهاست جنات نعیم *

(۱) راغب: متمائل، دارای خواهش (مرغوب، رغبت)

أَفَجَعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْبُجْرَمِينَ^ط مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ^ج ٣٦

آیا بسازیم مسلمانان را مثل مجرمان. * چه شده شمارا؟ چطور می‌کنید حکم *

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ^ل ٣٧ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَبَآئِخًا تَحْزِنُونَ^ج ٣٨

آیا شماراست کتابی درآن میشوید تدریس * که شماراست درآن آنچه کنید اختیار * آیا

لَكُمْ آيْمَانُ عَلَيْنَا بِالْغَةِ^ه إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^ل إِنَّ لَكُمْ لَبَآئِخًا

شماراست پیمانی با ما بالغ تا يوم قیامت، که از شماست هرچه

تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾ سَأَلَهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ ﴿٤١﴾

کنید حکم * سوال کن از آنها کدام آنها بر آن اند زعیم * آیا آنها راست شریکان؟

فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ

پس بیارند شریکان خود را اگر هستند مردم صادق * روزیکه شود مکشوف از

سَاقٍ وَيُذْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾ خَاشِعَةً

ساق و شوند دعوت برای سجود باز نباشد آنها را استطاعت^۱ * بخشوع بوده

(۱) روزیکه دوباره از ساق وریشه بمیان آورده شوند

أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ ذَلَّةٌ^ط وَقَدْ كَانُوا يَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ

چشمان آنها، پوشانیده آنهارا ذلت. و البته همواره میشدند دعوت برای سجود،

وَهُمْ سَالِمُونَ^{۴۳} فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ^ط

و بودند همه سالم * بگذار مرا و آنکه میکند تکذیب براین حدیث.

سَأَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ^{۴۴} وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ

میرسیم بتدریج آنهارا از آنجاکه ندارند علم * و میدهم مهلت به آنها. یقیناً

كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾ ج

کید من است متین * آیا میخواهی از آنها اجری که هستند از غرامتش بثقلت *

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾ فَأَصْبِرْ بِحُكْمِ رَبِّكَ وَ

آیا نزد آنهاست غیب و آنها می نویسند * بکن صبر بحکم ربت و

لَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ ط لَوْلَا أَنْ

مه باش بمثل صاحب حوت. چو ندا کرد و بود کاظم. ^۱ * اگر نمیکرد

(۱) ندا کرد بخشم از بی صبوری.

تَدَارِكُهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَنُبْذِلَ بِالْعُرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾

تدارك اورا نعمتی از رب او، میشد پرتاب بعریان و میبود ملامت *

فَأَجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٥٠﴾ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ

برگزید اورا رب او وساخت اورا از صالحین * و میکنند کوشش کسان

كَفَرُوا وَالْيَزْلِقُونَكَ يَا بَصَارَ هُم لَبَّاسِمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ

کافر که بلغزانند ترا با چشمان خود چون بشنوند ذکر را و میگویند

إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

اوست مجنون * و نیست این الا ذکری برای عالمیان^۱ *

(۱) این است جواب بدون آنکه به اتهام آنها توجه شود.